

ترا یک بند بس در هر دو عالم که بر ناید ز جانت بی خدا
تا در تنی بهر چه داری آتش هرگز نشود حقیقت و وقت خوش
ما را خواهی خطی بعالم در گمش کاندز یکدل دو دوستی ناید خوش
در بیان آداب روال و قیلوله کردن بوجه سبب چون اگر
طالب باید که چهار رکعت نماز کند و بقراءت دراز یک سلام
قرآن یاد داشته باشد در هر رکعتی بعد از فاتحه سه بار این است
بیت
پس صلوات الله علیه و سلام فرموده اند که قیلوله یاد بکنند
شب بچنانکه سحر خورون باری دهند دست از برامی برون
همان قیلوله است که شب را قیام کند و اگر قیام
قیلوله کرامت باشد بسیار خواب کردن مکرر است چون در
پیش از نماز پیشین طهارت کند و بجهت آن بکنید که پیش از
خواب آن را در پی گوید بعد از آن بیعت نماز کند و بعد از
دو رکعت نماز برای بقای ایمان کند و در رکعت اول

فاتحه

فاتحه آیت الکرسی بخواند در رکعت دوم آمین الرسول تو را بر
آن بسیار است و بعد از نماز پیشین سوره فاتحه اما قیوم
و منتظر نماز دیگر باشد چون نماز نماز دیگر زمین چهار رکعت
مشغول نشود و اول طلب علم کردن و دیگر با عبادت با مشغول
و در حاجت رسانیدن بخلق جنای و یا یکسب حال مشغول بودن
در هر حال و اوقات دل بخدای دارد که کار نیست **بیت**
ترا یک بند بس در هر دو عالم که بر ناید ز جانت بی خدا
اگر تو با پس داری با پر انفس سلطانی رسانندت ازین
سر عاید و تو در هر چه استیت انکار ازین
در بیان ای طالبی بوشنندگی که از بزرگان خست خود داده اند
حسابی ز بر گرفته یک هزار یا چند روز شده آن عزیز گفته است
هر روز یک کناه باشم در عمر خود این مهاله کناه است که روز
کند کرده باشم بس نوره کرده بقیاد بر سر او رفته و فرموده